



## راهکارهای توانمندسازی محلات غیررسمی شهرها

### مورد پژوهش: محلات غیررسمی شهر چابهار

افشین سفاهن<sup>۱</sup>، سیما فیروزی داد<sup>۲</sup>

۱- استادیار گروه جغرافیای دانشگاه پیام نور تهران

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه ریزی شهری- مسکن و بازآفرینی شهری

#### چکیده

یکی از مهمترین چالش های شهرنشینی در بسیاری از کشورهای جهان و بویژه کشورهای درحال توسعه بوجود آمدن محلات حاشیه نشین با مشکلات عدیده خاص خود بوده که ناشی از رشد شتابان و بدون برنامه ریزی شهرها در بسیاری از این کشورها بوده است. این مسیله در کشور ما نیز وجود دارد و امروزه در کنار کلان شهرهای کشور، بسیاری از شهرهای متوسط همچون چابهار نیز با این پدیده مواجه هستند.

این مطالعه به تحلیل و بررسی تاریخی علل شکل گیری حاشیه نشینی در شهر چابهار با استفاده از روش تحقیق اسنادی و روش تحقیق میدانی پرداخته است. نتایج بدست آمده، همراستا با نظریات مکتب وابستگی و نظریه اکولوژی شهری، حکایت از آن دارد که دلیل اصلی شکلگیری اجتماعات حاشیه نشین در شهر چابهار مهاجرت گروه بزرگی از روستاییان و کشاورزان منطقه بوده است که اولاً بر اثر سیستم اجتماعی جدید حاصل از اصلاحات ارضی آب و زمین خود را از دست داده بودند و زمین هایشان به اندازه ای نبود که کفاف مخارج زندگیشان را بدهد و در ثانی مجذوب جذابیت های این شهر برای مهاجران شده بودند که بر اثر سرمایه گذاری های دولت بویژه در بخش شیلات و کشتیرانی و نیز ساخت و گسترش پایگاه های نظامی متعدد و نتیجتاً نیاز به نیروی کار، بوجود آمده بودند، در حالیکه زیر ساخت های لازم برای جذب و بکارگیری این تعداد از مهاجرین در اشتغال رسمی و قانونی وجود نداشت و بسیاری از این افراد ضمن اشتغال به کارهایی چون دکه داری، کارگری، بقالی و حتی خرید و فروش مواد مخدر، مجبور به سکونت در کپر ها و ساختمان های مخروبه ای شدند که هسته اولیه شکل گیری محلات حاشیه نشین را بوجود آوردند.

واژگان کلیدی: حاشیه نشینی، ساماندهی، توانمندسازی، شهر چابهار



## چهارمین کنفرانس ملی شهرسازی، معماری، عمران و محیط زی

### مقدمه

آمار تحولات جمعیتی حاکی از این امر هستند که جمعیت جهان در طی دو قرن گذشته رو به تمرکز در شهرها دارد (بابایی اقدم، ۱۳۷۸: ۵). بر اساس گزارش سازمان ملل متحد در آغاز قرن بیست و یکم جمعیت جهان از مرز شش میلیارد نفر فراتر رفت و هر چه بیشتر در نقاط شهری متمرکز شد. این در حالیست که این روند، سهم برابری میان کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته را شامل نشده و تقریباً نزدیک به ۹۰ درصد این جمعیت (جمعیت رو به گسترش شهرنشین) به مناطق شهری کشورهای در حال توسعه تعلق داشت. در این میان شهرهای آسیا و آفریقا با رشد ۲/۴ درصدی بیشترین رشد را تجربه می کنند بنابراین با افزایش جمعیت جهان بویژه در دو قرن اخیر، جمعیت شهرنشین نیز رو به افزایش گذاشته است که کشورهای در حال توسعه سهم بسیار بیشتری از این رشد را از آن خود کرده اند و همین شهرنشینی سریع و بی قاعده مشکلات فراوانی را برای این شهرها و ساکنان آنها به همراه داشته است که یکی از مهم ترین مشکلات این چینی همانا بوجود آمدن فقر شهری و نابرابری های اقتصادی و اجتماعی عمیق در میان ساکنان اغلب این شهرهاست (اسماعیل پور، ۱۳۸۹: ۴). با توجه به چنین نابرابری هایی درصد قابل توجهی از ساکنین شهرها در کشورهای در حال توسعه امکان سکونت در محدوده های قانونی شهرها را با توجه به قیمت فزاینده زمین و مسکن در این شهرها نداشته و مجبور به سکونت در حاشیه شهرها شدند که این امر منجر به خلق پدیده حاشیه نشینی و معطلات و مشکلات توأم با آن شده است. بدین ترتیب یک پیامد عمده مدیریتی شهرنشینی بی رویه در کشورهای در حال توسعه همانا پیشی گرفتن رشد شهری بر توسعه و به مفهومی انباشت مجموعه ای از مشکلات و معطلات ناشی از این رشد شتابان بود که مدیریت محلی و ملی تمهیدات مالی، فنی و مدیریتی حل و رفع آنها را نداشت بنابراین فقر، بیکاری، مسکن ناپهناجار و محله های کم برخوردار به مثابه یکی از پیامدهای اصلی این رشد، به ویژگی عمده بسیاری از شهرهای بزرگ جنوب بدل شدند که مدیریت شهری این کشورها با توجه به محدودیت مالی و فنی توان رفع این کاستی ها را نداشت (ایراندوست ۱۳۸۸: ۱۴) بر این اساس، مناطق حاشیه نشینی در شهرهای کشورهای در حال توسعه بوجود آمدند که مهم ترین ویژگی های آنها عبارت بودند از سیمای نامطلوب، پایین بودن سطح بهداشت عمومی و سلامتی، فقدان شغل رسمی و درآمد کافی، فقدان یا کم بودن امکانات آموزشی و رفاهی، پایین بودن سطح سواد و تحصیلات، اعتیاد، منبع و مرکز انحرافات و کجرویهای اجتماعی، پیامدهای فرهنگی، مسکن غیر قابل اطمینان در قبال حوادث طبیعی و پیامدها برای مدیریت شهری. بدین ترتیب میتوان حاشیه نشینی را نوعی از سکونت در فضای شهری به شمار آورد که در تمامی ابعاد سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، کالبدی، و حقوقی، با سایر انواع سکونت موجود در شهر تفاوت هایی اساسی را نشان می دهد (coit.1994:116).

شاید از این روست که رابرت پارک انسان حاشیه نشین را فردی می داند که از لحاظ فرهنگی دورگه هست که صمیمانه در زندگی فرهنگی دو جمعیت متمایز زندگی می کند و با هر دوی آن ها شریک هست. مایل نیست از گذشته ی خود بگوید و هنوز همه ی ابعاد جامعه میزبان را نپذیرفته است.

شهرنشینی سریع در ایران نیز تقریباً پس از سال های ۱۳۰۰ هجری شمسی و به دنبال تحولاتی در سیستم اقتصادی - سیاسی جامعه رخ می دهد. اتفاق می افتد بدین صورت که در آن سال ها پایه های دهقانی جامعه ۶۰ دوره ی قاجار فروریخته و مرحله ی گذار به سرمایه داری وابسته در ایران شروع می گردد. در مرحله ی گذار به سرمایه داری وابسته فعالیت های اقتصادی جهت آماده کردن زیر ساخت ها هر روز رونق بیشتری میگیرند. تا سال های ۱۳۲۰ هجری شمسی بعلت گسترش روزافزون این موارد تقریباً مشکلات حادی همچون مهاجرت روستایی - شهری، شهرنشینی بی رویه و بیکاری های ناشی از این فرآیند (شهرنشینی افراطی) به وجود می آید (امیرعزیدی، دانیالی، ۱۳۹۲: ۴). که همین مهاجرت بی رویه ی روستائیان به



## چهارمین کنفرانس ملی شهرسازی، معماری، عمران و محیط زی

شهرهای بزرگ باعث می شود بسیاری از این مهاجران که معمولاً بی سواد بوده و تخصص های لازم را برای یافتن شغل و کار مناسب در شهرها را نداشته اند به زندگی در اطراف این شهرها روی آورده و پدیده ی حاشیه نشینی را به وجود آوردند. البته حاشیه نشینی در ایران محدود به شهرهای بزرگ نبوده و با گذشت زمان برخی شهرهای متوسط و حتی کوچک نیز این پدیده را تجربه کرده اند. یکی از این شهرها، شهر چابهار در استان بلوچستان و سیستان است که هدف ما در این مقاله نیز بررسی چگونگی و چرایی شکل گیری پدیده حاشیه نشینی در این شهر بوده. و با مصاحبه با حاشیه نشینان این شهر که مستقیماً با این پدیده و عوارض و مشکلات آن دست به گریبان هستند، با بررسی های میدانی و مشاهده ی وضعیت این گروه حاشیه نشین از طریق مراجعه ی مستقیم به مناطق زندگی آنان، به بررسی علل شکل گیری این پدیده در این شهر، مشکلات و معضلات حاشیه نشینان و راهکارهای بهبود وضعیت آنان پرداخته است.

### بیان مساله

رشد سریع شهر نشینی در کشورهای جهان سوم مسائل و مشکلات حاد شهری ارقبیل کمبود مسکن، افزایش بی رویه شهرها باعث پیدایش سکونت گاه های غیر رسمی در شهرها شده است. حاشیه نشین شهری کسی است که در شهر سکونت دارد، ولی به هر دلیلی نتوانسته در نظام اجتماعی-اقتصادی شهر به شکل صحیح و رسمی ادغام شود که این امر نهایتاً منجر به عدم توانایی استفاده وی از امکانات و خدمات شهر می شود (ایراندوست و دیگران، ۱۳۹۳: ۴). لذا منظور از حاشیه نشینی، صرفاً دوری فیزیکی از مرکز شهر نیست، بلکه منظور هر نوع دوری از جامعه است که شامل مناطق مرکزی شهر هم می شود سابقه شکل گیری پدیده حاشیه نشینی در ایران به آغاز حکومت سلسله پهلوی و تحولات اجتماعی-اقتصادی برمیگردد. حاشیه نشینی امروزه به یکی از بزرگ معضلات کلانشهرها و شهرهای بزرگ کشور تبدیل شده است. شهر چابهار به دلیل دارا بودن موقعیت بندری و شرایط اقتصادی همواره مورد توجه مهاجران استانی و غیر استانی و حتی خارج از کشور بوده است. فعالیت های صیادی و تجاری در این شهر موجب گردیده که این شهر مهاجر پذیر شده و گروه های مهاجر جهت اشتغال به این شهر مهاجرت نمایند. وضعیت اقتصادی نامناسب شهرهای استان به دلیل خشکسالی های متعدد و مهاجرت به چابهار برای پیدا کردن شغل و به امید داشتن آینده بهتر در توسعه کالبدی این سکونت گاه ها نقش اساسی داشته و شهر چابهار را با مشکلات جدی در ابعاد اجتماعی، کالبدی مواجه نموده است. بارونق فعالیت های اقتصادی شهر، و ایجاد فاصله طبقاتی اقشار کم درآمد خارج از برنامه های رسمی شهری اقدام به ساخت و ساز غیر مجاز نموده و هسته اولیه سکونت گاه های غیر رسمی را شکل داده اند. توجه به وجود سکونت گاه های غیر رسمی زیاد در شهر چابهار وحاد شدن مشکلات این شهر در اثر گسترش این سکونت گاه ها، این تحقیق در صدد شناسایی علل شکل گیری سکونت گاه های غیر رسمی در این شهر بوده تا ضمن شناسایی این علل و انگیزه های اسکان در چنین محلاتی، راه کارهای لازم جهت کاهش این معضلات ارائه نماید.

### روش شناسی

پژوهش حاضر به لحاظ روش شناسی از نوع توصیفی تحلیلی است و با توجه به هدف خود که برنامه ریزی راهبردی برای توانمندسازی سکونتگاه های غیررسمی شهر چابهار است در زمره پژوهش های کاربردی قرار می گیرد. نوشتار حاضر که در ابتدا با مرور برخی از مبانی مرتبط و همچنین مراجعه به مطالعات کتابخانه ای و اسنادی، شالوده تحلیل و ارزیابی وضعیت موجود را در سطح شهر قدس رقم می زند، در زمره مطالعات کتابخانه ای اسنادی طبقه بندی می گردد. اما از آنجا که در بخش مطالعات، از تکنیک سوات به منظور تحلیل و همچنین ارزیابی، بهره خواهد برد، در زمره مطالعات تحلیلی از نوع راهبردی طبقه بندی می گردد.



## چهارمین کنفرانس ملی شهرسازی، معماری، عمران و محیط زی

پیشینه پژوهش

### مطالعات خارجی

کو ها<sup>۱</sup> (2007) در ارزیابی تهیه مسکن برای فقیران شهری کره جنوبی که مجری آن دولت کره جنوبی بود ارزیابی این طرح را ناموفق بیان کرده و درباره علل آن بیان کرده است که از نکات منفی پس از اجرای این طرحها، این بود که تنها ۲۰ درصد از ساکنان قبلی در محدوده حضور داشتند و ۸۰ درصد مابقی بخاطر بالا رفتن هزینه اجاره و یا سود ناشی از فروش خانه هایشان به محلات فقیر نشین دیگر نقل مکان کرده بودند.

پیتر رابرتز و شیک<sup>۲</sup> (۲۰۰۰)، ها در کتاب بازسازی شهری پس از شناسایی های بافت فرسوده، دلایل فرسودگی و در نهایت طبقه بندی آنها، به مفهوم احیاء، بهسازی و مشارکت ساکنان در احیای محله پرداخته است. نتایج تحقیق اینطور نشان داد که مشارکت ساکنان در احیاء و بهسازی محله موثر بوده است.

اوزلم گری<sup>۳</sup> (۲۰۰۹) تحت عنوان باززنده سازی و افزایش هویت شهری به بررسی راهکارهای بهسازی و باززنده سازی نواحی مسکونی غیر معمور و فرسوده در شهر آنکارا می پردازد و باززنده سازی و نوسازی این مناطق را استراتژی فضایی جهت هویت بخشیدن به ساکنان این مناطق و افزایش تجهیزات مورد نیاز شهروندان می داند.

### مطالعات داخلی

از مهمترین منابع داخلی در خصوص محلات غیررسمی و توانمندسازی آنها می توان به کتاب دکتر رحیم سرور اشاره نمود که در سال ۱۳۹۳ به چاپ رسیده است که در این کتاب تلاش گردیده تا با انجام مطالعات گسترده و بررسی رویکردها، نظریات و دیدگاه های موجود در بحث ساماندهی، مهمترین اصول و مبانی توانمندسازی محلات برنامه های هدف نوسازی و بهسازی را تبیین نماید.

مهرانی (۱۳۹۶) پایان نامه کارشناسی ارشد خود را با عنوان ارزیابی شاخص های توانمندسازی محلات غیررسمی در شهر قدس انجام داده است. این پژوهش به لحاظ روش شناسی از نوع توصیفی تحلیلی است و با توجه به هدف خود که ارزیابی شاخص های توانمندسازی در محلات غیررسمی شهر قدس می باشد در زمره پژوهش های کاربردی قرار می گیرد. جامعه آماری آن محلات غیررسمی شهر قدس می باشد که در این میان تعداد ۴۰۰ نفر به عنوان نمونه آماری پژوهش انتخاب گردیده اند تا پس از مطالعات اسنادی کتابخانه ای و جمع آوری مبانی نظری، تشریح روش شناسی وارد مطالعات میدانی شده و با این تعداد مصاحبه و پرسشنامه تکمیل گردد. جهت تحلیل اطلاعات در این پژوهش از روش تحلیل SWOT و روش امتیازدهی QSPM استفاده گردیده است که نتایج حاصل از آن نشان می دهد محلات غیررسمی شهر قدس در حال حاضر با مشکلات بسیار فراوانی روبرو می باشند که جهت ساماندهی این محدوده استفاده از راهکارهای محافظه کارانه (WO) در اولویت اول قرار دارنده قدساوانی روبرو می باشند که جهت ساماندهی آنگاه های موجود در بحث ساماندهی، مهمتری

حاجی علیزاده و اکبرپوربناب (۱۳۹۵) مقاله خود با عنوان ارزیابی سیاست های توانمندسازی سکونت گاه های غیررسمی در شهرهای میانه اندام (شهر بناب) را با هدف کاربردی و به روش تحلیل - توصیفی و به منظور ارزیابی سیاست های توانمند

<sup>1</sup> Kyu Ha

<sup>2</sup> Peter Robert & Shak

<sup>3</sup> Ozlam Gary



## چهارمین کنفرانس ملی شهرسازی، معماری، عمران و محیط زی

سازی سکونتگاه های غیررسمی در شهر بناب انجام داده اند. بدین منظور شناسایی بافت اسکان غیررسمی بر اساس شاخص های مختلف کالبدی و شرایط و ظرفیت های موجود شهر را که براساس شاخص های مختلف برای توانمندسازی و توسعه می باشد. بررسی می شود. سپس هر یک از شاخص ها در ارتباط با سکونتگاه های غیررسمی ارزیابی شده اند تا وضعیت شهر بناب نسبت به هر یک از این شاخص ها مشخص گردد. به منظور ارایه برنامه راهبردی برای محلات سکونت گاه های غیررسمی نقاط قوت، ضعف، فرصت و تهدیدها با استفاده از روش سوات مشخص شده اند و سپس به ارایه راهبردها پرداخته و در نهایت برنامه های اجرایی مشخص شده اند. برای امتیازدهی راهبردها و برنامه ها از روش تحلیل شبکه (ANP) بهره گرفته شده است. نتایج تحقیق نشان می دهد محلات اسکان غیررسمی دارای پتانسیل زیادی در درون خود برای توسعه آنها وجود دارد و با برنامه ریزی مناسب می توان نسبت به توسعه آنها اقدام نمود.

حیدری و لطفی (۱۳۹۵) در مقاله ای با عنوان ساماندهی و توانمندسازی سکونتگاه های غیررسمی در شهر زنجان (مطالعه ی موردی: محله ی اسلام آباد) به شناخت شرایط و ویژگی های ساکنین و محله ی مورد مطالعه به منظور کاهش آسیب های کالبدی و اجتماعی پرداخته اند. یافته های تحقیق نشان می دهد که علی رغم پایین بودن نرخ رشد جمعیت در این محله (۴/۱ درصد) نسبت به شهر زنجان (۲/۲ درصد)، تراکم جمعیت بالا بوده و در نتیجه به کاهش سطح سرانه ی مسکونی منجر شده است. همچنین نتایج حاصل از پژوهش حاکی از پایین بودن سطح استاندارد شاخص های اجتماعی و کالبدی، به خصوص شاخص مسکن در محله ی اسلام آباد نسبت به شهر زنجان می باشد.

در همین سال زالی، رحمتی و چاره در مقاله ای با عنوان ارزیابی و نقدی بر طرح ساماندهی و توانمندسازی سکونتگاه های غیررسمی شیراز؛ مطالعه موردی محله مهدی آباد (کتس پس) با تأکید بر مفاهیم و اصول توانمندسازی به بررسی میزان موفقیت طرح ساماندهی و توانمندسازی سکونتگاه های غیررسمی شهر شیراز، مطالعه موردی محله مهدی آباد (کتس پس) با استفاده روش های آماری و نگرشی کمی-کیفی به ارزیابی طرح پرداخته اند. فرض خلاف تحقیق، یعنی عدم موفقیت خانه محله مهدی آباد در اهداف توانمندسازی، تأیید می شود. در فرضیه دوم تحقیق نیز میانگین میزان موفقیت کلی طرح در دستیابی به اهداف توانمندسازی در محله مهدی آباد، در سطح معناداری  $\text{sig} = 0/000$  برابر با ۵۴.۴۳ بوده و با میانگین مورد انتظار ۹۶ دارای اختلاف میانگین ۴۱.۵۷- است، بنابراین فرضیه تحقیق یعنی عدم موفقیت طرح ساماندهی و توانمندسازی محله مهدی آباد در ارتقای شاخص های توانمندسازی محله، تأیید می شود. نتیجه پژوهش حاکی از آن است که طرح توانمندسازی محله در مسیر دستیابی به اهداف خود تا حال حاضر موفق نبوده، و مهمترین علل آن وجود نگرش آمرانه در مراحل تهیه، تصویب و اجرای طرح است که ناقض مهمترین اصول توانمندسازی یعنی مشارکت محوری و نهادسازی و آگاه سازی است.

### مبانی نظری پژوهش

بافت هر شهر کمیتی پویا و در حال تغییر است که وضع کالبدی شهر و چگونگی شکل گیری آن را در طول زمان نمایان می سازد. بافت هر شهر دانه بندی فضای کالبدی شهر یعنی فضاهای پر و خالی و مقدار آنها را نسبت به یکدیگر و چگونگی رابطه و حد نزدیکی بین آنها را مشخص می کند و شبکه ارتباطات و نحوه دسترسی و خصوصیات کلی راه ها و کوچه ها را آشکار

<sup>۱</sup> Analytic Network Process



## چهارمین کنفرانس ملی شهرسازی، معماری، عمران و محیط زی

می نماید و توسط آن می توان راه های اصلی و فرعی را تشخیص داد. به عبارت دیگر بافت شهر به هم تنیده شدن و نحوه استقرار ساختمان ها و ترکیب آنها با یکدیگر در ارتباط با شبکه راه ها براساس شرایط محیطی است (وزارت مسکن و شهرسازی ۱۳۸۹:۳۳). اگر چه تفکیک بافت های شهر با توجه به نیاز رشته های طراحی، معماری، شهرسازی و دیگر رشته های مربوط، متناسب با اهدافی خاصی صورت می گیرد ولی به طور کلی به منظور تفکیک و طبقه بندی بافت های شهری اغلب به بیش از ده عامل یا خصیصه استناد می شود که عامل تفاوت بافت های موجود شهری از یکدیگر هستند. این عوامل عبارتند از زمان شکل گیری، سرعت شکل گیری، نرخ رشد شهر نشینی، ترکیب کاربری اراضی، استقرار عملکردهای شهری، چسبندگی کالبدی (انسجام شهری)، شکل گیری شبکه ارتباطی، تعادل زیست - محیطی، هماهنگی عناصر تشکیل دهنده بافت، تراکم جمعیتی و تراکم ساختمانی (ذاکر حقیقی و دیگران، ۱۳۸۹: ۴۵).

حاشیه نشینی به نوعی شیوه زندگی اطلاق می شود که نسبت به سه شیوه رایج زندگی یعنی شهری، روستایی، عشایری متفاوت بوده و با ویژگی های اقتصادی و اجتماعی مخصوص به خود، بافت فیزیکی معینی را به وجود می آورد. حاشیه نشینی ناظر بر محل اسکان بخشی از جمعیت شهری در جهان سوم است که خارج از بازار رسمی زمین و مسکن و بر پایه قواعد و اصول های خاص خود به دست ساکنان این گونه مکان های ساخته شده است

حاشیه نشینی شهری خانوارها و افرادی را شامل می شود که در محدوده اقتصادی و اجتماعی شهر ساکن شده اند، ولی جذب اقتصاد و اجتماعی شهری نشده اند و در حاشیه فعالیت های زندگی مردم شهرنشین قرار دارند حاشیه نشین به کسی گفته می شود که در شهر سکونت دارد ولی به علل گوناگون نتوانسته است جذب نظام اقتصادی شهر شده و از خدمات شهری استفاده نماید (درکوش، ۱۳۸۷: ۳۶).

مناطق زاغه نشین، آلونک نشین، کپرنشین و در مفهوم کلی تر حاشیه نشین یخس های مورد غفلت واقع شده ای از شهر هستند که شرایط زندگی و مسکن در آنجا به شدت پایین و نامناسب است. زاغه ها مناطقی هستند که مهاجران فقیر و مصیبت زده روستایی اولین خانه ارزان و کوچک خود را در آنجا بنا کرده و شروع به جست و جو برای یافتن کار و شغل مناسب در همان حوالی می کنند. بنابراین مشاهده میشود که قسمت عمده ای از زاغه ها در همجواری مناطق صنعتی یا در محیط های تجاری قرار گرفته اند. تحقیقات انجام شده نشان میدهد که هرچه میزان فعالیت های صنعتی در محلی بیشتر باشد تعداد زاغه نشینان هم در آن مکان بیشتر خواهد بود. زاغه ها معمولا در مکان هایی پدید می آید که به هیچ عنوان برای سکونت انسان مناسب نیست. اغلب این سکونتگاه ها بر روی اراضی حاشیه ای شهر که ارزش بسیار کمی دارند واقع شده اند مناطقی مانند دامنه تپه های اطراف شهر زمین های مرطوب و مردابی، زمین های اطراف محل انباشت زباله های شهری، زیر کابل های فشار قوی حاشیه رودخانه ها و نیز مکان هایی که در معرض خطر سیل بوده و سیلاب های موسمی در آنجا رخ میدهد. (هادی زاده، ۱۳۸۲، ۱۴).

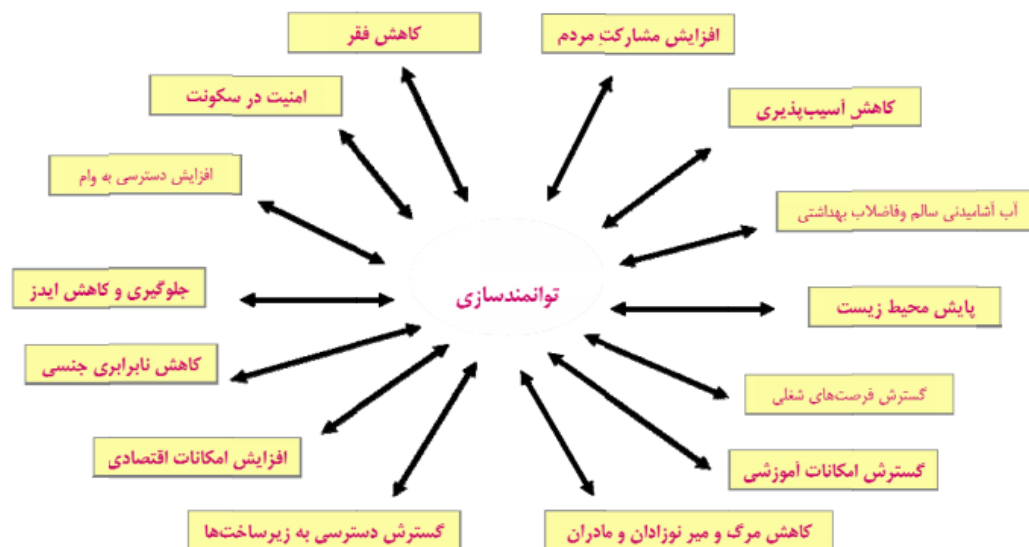
حاشیه نشینی شهری خانوارها و افرادی را شامل می شود که در محدوده اقتصادی و اجتماعی شهر ساکن شده اند، ولی جذب اقتصاد و اجتماعی شهری نشده اند و در حاشیه فعالیت های زندگی مردم شهرنشین قرار دارند. حاشیه به نوعی شیوه زندگی اطلاق می شود که نسبت به سه شیوه رایج زندگی یعنی شهری، روستایی، عشایری متفاوت بوده و با ویژگی های اقتصادی و اجتماعی مخصوص به خود، بافت فیزیکی معینی را به وجود می آورد

راهبرد توانمندسازی بر بسیج تمامی امکانات بالقوه و منابع برای ایجاد و بهبود مسکن جوامع فقیر تاکید دارد و به این گروه این فرصت را می دهد که شرایط خانه و محل زندگی خود را با توجه به اولویت ها و نیازهای خود بهبود بخشند. در این راهبرد، دولت متعهد می گردد که تسهیلات مالی لازم را برای آنها فراهم کند. این رهیافت که راهی برای حل مشکل فقر

## چهارمین کنفرانس ملی شهرسازی، معماری، عمران و محیط زی

شهری است، به تزریق منابع مالی صرف نمی پردازد بلکه مهندسی اجتماعی با حمایت و تسهیل بخش عمومی و سازمان های غیردولتی و محلی و مشارکت فعال ساکنان را مدنظر دارد (هادی زاده بزاز، ۱۳۸۲: ۳۸-۳۷). بنابر این، توانمندسازی را می توان بهبود قوای حیاتی یک جامعه زیستی برای پویایی و تداوم حیات آن جامعه تعریف کرد که از حیث سابقه ابتدا متوجه بهبود ظرفیت های اقتصادی و سپس اجتماعی ساکنان برای مشارکت در پروژه های ساماندهی است (زنگنه، ۱۳۸۸: ۱۲). هرچند در رویکرد توانمندسازی دولت ها، با تکیه بر توان های بالقوه ساکنان سکونتگاه های غیررسمی به جای کمک های مستقیم و بلاعوض، از طریق ارتقای سطح آموزش و ایجاد مهارت های لازم و امکان دسترسی به ابزار کار و اشتغال، زمینه های بهبود سطح واحدهای مسکونی را به کمک خودشان فراهم می آورند (احمدیان، ۱۳۸۲: ۲۹۳)؛ اما در روش بهبود تدریجی کیفیت سکونت مشارکت جمعی مردم با دولت، اصل اساسی است.

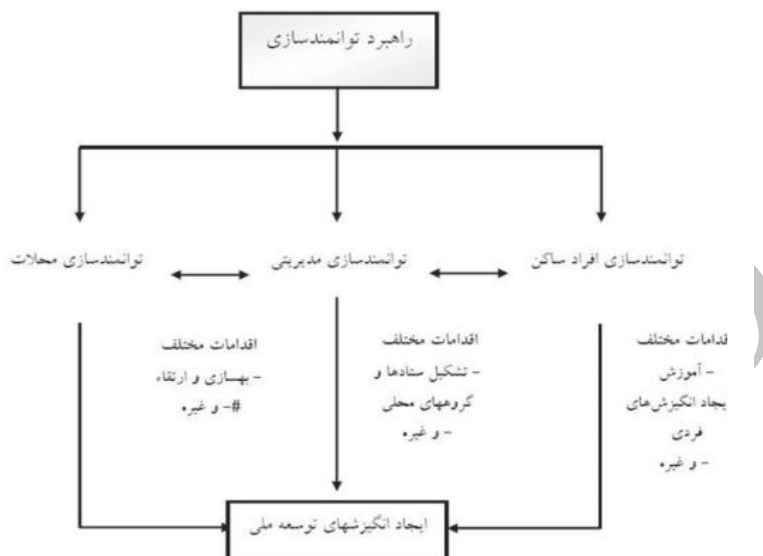
در اجرای این سیاست، پس از تعیین محلات اولویت دار، مشخصات مسکونی و محیط مسکونی، پایگاه اجتماعی و اقتصادی خانوارهای ساکن، ویژگی های جغرافیایی محیط مسکونی به تفکیک مشخصه های کمی و کیفی واحدهای مسکونی و محیط مسکونی، پایگاه اقتصادی و اجتماعی ساکنین، ویژگی های جغرافیایی و ... بررسی می شود. قدم بعدی، تشریح طرح برای استفاده کنندگان است تا زمینه همکاری و مشارکت آنها فراهم گردد؛ زمانی که خانواده های درگیر در طرح و پروژه مربوط به محل سکونت خود شرکت داشته باشند، خود را موظف می دانند که از آن حمایت و آن را تقویت کنند (دلال پورمحمدی، ۱۳۷۹: ۱۲۵). اجرای این سیاست کاربرد روش برنامه ریزی اجتماعات محلی (Community Planning) است که در آن برنامه ریز برای شرکت دادن مردم محلات در پیدا کردن راهی برای بیان نظرات و مشارکت آنها در رابطه با وضعیت فعلی و آینده محله خود تلاش می کند و به تشویق حس همکاری در اجتماعات و ایجاد مکان های جذاب با حس مکانی قوی می پردازد (شهیدی، ۱۳۸۹: ۹۹) در این فرآیند، نهاد برنامه ریزی با دعوت از افراد عادی برای مشارکت در توسعه اجتماعات محلی تلاش می کند (عبدی دانشپور، ۱۳۸۷: ۳۳۹)؛ ضمن آنکه این امر با پذیرش شهروندی و حقوق آنان نیز همراه است (پیران، ۱۳۸۰: ۵۰).



نمودار شماره ۱. توانمندسازی و ابعاد مختلف آن (وزارت مسکن و شهرسازی، ۱۳۸۷)



## چهارمین کنفرانس ملی شهرسازی، معماری، عمران و محیط زی



نمودار شماره ۲. راهبرد توانمندسازی (رفعیان، ۱۳۸۲: ۴۶)

در توانمندسازی فقر، اگرچه توانمندسازی سیاسی، مدیریتی و ظرفیت سازی مشارکتی از اهمیت ویژه ای برخوردار است اما توانمندسازی اقتصادی پایه اصلی را تشکیل می دهد که بر بهبود شرایط کاری و درآمدی مردمی در این زمینه گسستن زنجیره فقر، به کارگیری سرمایه اجتماعی، انسانی و ظرفیت سازی در تشکیل و گسترش آن در ارتباط با بهبود شرایط اقتصادی است. در توانمندسازی اجتماعات کم درآمد، رشد اقتصادی یک ضرورت است، اما توسعه نیست بلکه هدف تحول فرآیند منجر به توسعه است (صراف، ۱۳۸۱: ۱۰).

توانمندسازی شیوهای برای ارتقاء شرایط اجتماع محلی از راه گسترش و به کارگیری ظرفیت موجود است. در حقیقت توانمندسازی برنامه حل مساله ای از درون بر پایه توسعه اجتماعات محلی است، به نحوی که الگوهایی از توسعه درون زای محلی شکل گرفته که می تواند به سایر اجتماعات تعمیم داده شود. در این الگو ظرفیت های محلی برای پاسخگویی به نیازهای اجتماع شکوفا می شود که در آن مشارکت به مثابه نکته کلیدی در جهت بهره گیری از توان جمعی نگریسته می شود. یکی از مسائل مهم و اساسی در برنامه ریزی توسعه اجتماع محلی درک نیاز و توانمندی هایی است که در سطح محل ضرورت اقدام را توجیه می کند یا به عبارتی ظرفیت جامعه محلی است که زمان و مکان اجرای راهبرد توسعه اقتصاد محلی را تعیین می کند. ظرفیت اجتماع محلی عبارت است از قابلیت و توانمندی اجتماع محلی برای شناخت، گسترش توانمندی انسانی، فرصت های اقتصادی، مناسبات اجتماعی و منابع اکولوژیک در راستای بهبود پایداری اجتماع (Macall, 2000:101).

در توانمندسازی فقرا، اگرچه توانمندسازی سیاسی، مدیریتی و ظرفیت سازی مشارکتی از اهمیت ویژه ای برخوردار است اما توانمندسازی اقتصادی پایه اصلی را تشکیل می دهد که بر بهبود شرایط کاری و درآمدی مردمی که غالباً در بخش غیررسمی شاغلند استوار است، در حقیقت در این زمینه گسستن زنجیره فقر، به کارگیری سرمایه اجتماعی، انسانی و ظرفیت سازی در تشکیل و گسترش آن در ارتباط با بهبود شرایط اقتصادی است. در توانمندسازی اجتماعات کم درآمد، رشد اقتصادی یک





## چهارمین کنفرانس ملی شهرسازی، معماری، عمران و محیط زی

ضرورت است، اما رشدی که از درون و در برگیرنده و بهره مند کننده عادلانه جمع باشد. در واقع در این رهیافت هدف تحویل فرآیند توسعه نیست بلکه هدف تحول فرآیند منجر به توسعه است (صرافی، ۱۳۸۱: ۱۰).

### محدوده مورد مطالعه

شهرستان چابهار با مساحتی حدود ۱۷۱۵۵ کیلومتر مربع در منتهی الیه جنوب شرقی ایران در کنار آبهای گرم دریای عمان و اقیانوس هند قرار گرفته است. این شهرستان از جانب شمال به شهرستانهای ایرانشهر و نیکشهر و جنوب به دریای عمان و از شرق به پاکستان و از غرب به استان های کرمان و هرمزگان محدود است. بندر چابهار - مرکز شهرستان - با وسعتی بالغ بر ۱۱ کیلومتر مربع در ارتفاع ۷ متر از سطح دریا قرار گرفته است و در ۶۰ درجه و ۳۷ دقیقه طول شرقی و ۲۵ درجه و ۱۷ دقیقه عرض شمالی قرار دارد. فاصله هوایی شهرستان چابهار تا تهران ۱۴۵۶ کیلومتر مربع و فاصله زمینی ۱۹۶۱ کیلومتر است. بندر چابهار هم عرض جغرافیایی میامی در شبه جزیره فلوریدا آمریکا است و دارای آب و هوای همانند بندر میامی است. خلیج چابهار با بریدگی طبیعی و استثنایی خود بزرگترین خلیج ایران در پیرامون سواحل دریای عمان به شمار می رود و نزدیکترین آبراه به اقیانوس هند.

### عوامل ایجاد حاشیه نشینی چابهار

مسئله اسکان غیررسمی در شهر چابهار از ابعاد ویژه‌های برخوردار است، و با دیگر نقاط کشور تا حدودی فرق دارد. مسئله کپرنشینی و اسکان غیر رسمی از گذشته، به صورت یک فرهنگ زیست بوده، و در تمام ادوار گذشته اسکان عشایر کوچ رو در اطراف شهر ابتدا به صورت کپرنشینی و بعد به رسمیت شناختن مالکیت زمین به شخص کپرنشین بوده است. در چند سال اخیر با توجه به پتانسیلهای توسعه شهر چابهار این شیوه تصرف زمین و اسکان چه برای اقشار متوسط و چه برای اقشار پایین و تهیدستان به شدت گسترش یافته، و امروزه یکی از معضلات اجتماعی شهر محسوب می شود. ساکنین این کپر ها اغلب تهیدستان و پایینترین اقشار اجتماع هستند. بسیاری از این افراد توانایی خرید زمین تصاحب شده را ندارند، با این حال برخی مقامات مسئول این نحوه سکونت را شیوهای برای تصرف بی رویه زمین دانند، و خواستار روشهای قطعی برای برخورد با این مسائل شهری هستند. به هر صورت این شیوه اسکان در کشور ما چیز تازه و ناآشنایی نیست. عوامل اصلی این نوع زیست را باید در فقر و تهیدستی اقشار حاشیه نشین و شرایط سریعاً در حال تحول شهر با توجه به ایجاد منطقه آزاد در چند کیلومتری شهر دانست. به عبارتی اگرچه مسئله کپرنشینی از قدیم الایام در این شهر بوده، لذا با هجوم مهاجرین به امید یافتن شغل بهتر شهر چابهار با مشکلات زیادی مواجه شده است حاشیه نشینی یکی از معضلات مهم و مشکلات اساسی در طول ۲۱ سال گذشته شهر چابهار است که پس از ایجاد منطقه آزاد و راه اندازی واحدهای تولیدی بزرگ و کوچک شکل گرفته و روز به روز بر جمعیت حاشیه نشین آن افزوده شده است. براساس آمارها چابهار با بیش از ۵۰ هزار نفر حاشیه نشین یکی از مناطقی است که در مقایسه با جمعیت خود بیشترین شمار حاشیه نشینی را در کشور دارد و حتی جمعیت سکونتگاههای غیر رسمی آن از جمعیت حاشیه نشینی مراکز برخی استانها بیشتر است. جمعیت زیادی از افراد جویای کار از شهرها و روستاهای مختلف استان سیستان و بلوچستان به امید اشتغال و زندگی بهتر به چابهار کوچ کرده اند و در مناطق کمب مراد آباد، عثمان آباد، جنگلوک، کمب لئو، تیس، رمین و غیره در حاشیه شهر ساکن شده اند. معمولاً افراد ساکن در مناطق حاشیه نشین چابهار کارگر و از قشرهای کم درآمد و ضعیف جامعه هستند که توان مالی برای تهیه زمین در داخل شهر و ساخت مسکن مقاوم را ندارند. در دهه اخیر با ایجاد منطقه آزاد و توسعه شهر از جهات بندری و شیلاتی هجوم مهاجران به این شهر را به همراه داشته است و به عنوان یک معضل اجتماعی در شرایط کنونی رخ داده است (بنیاد مسکن ۱۳۹۰).

## چهارمین کنفرانس ملی شهرسازی، معماری، عمران و محیط زی

و برخی از دلایل آن عبارتند از:

- کمی درآمد و بالا بودن بهای زمین و هزینه ساخت و ساز رسمی و گرانی اجاره بها و همچنین تفاوت قیمت تمام شده مسکن غیررسمی با مسکن رسمی
- ایجاد منطقه آزاد چابهار، اعلام نیاز آن به نیروی انسانی
- دافعه های مبدأ جاذبه های مقصد



شکل شماره ۱. منطقه حاشیه نشین چابهار



شکل شماره ۲. منطقه حاشیه نشین چابهار

گفتگو با شماری از ساکنان مناطق حاشیه ای شهر چابهار در به بیان دلایل مهاجرت شان و مسایل و مشکلات: علی بلوچی یکی از ساکنان «کمب مرادآباد» گفت: حدود ۱۰ سال قبل به علت نبود اشتغال در شیر آباد و برای تامین معاش خانواده از بخش لاشار برای کارگری به چابهار آمدم و در این منطقه ساکن شده ام وی ادامه داد: در اینجا از کمترین امکانات برخورداریم آب آشامیدنی نداریم صدها بار به مسوولان مراجعه کرده ایم ولی هیچ مشکلی از مردم حل نشد گل خاتون چاکری یکی دیگر از ساکنان سکونت گاه غیر رسمی کمب نیز گفت: ۱۸ سال قبل به همراه خانواده برای کار و کسب روزی حلال از شهرستان سرباز به چابهار آمده ایم وی با بیان اینکه برق و مدرسه از مهمترین مشکلات اساسی مردم حاشیه نشین است، افزود: از یک تیربرق در نزدیکی منطقه کمب بیش از یکصد سیم بصورت غیراستاندارد و غیر قانونی وصل



## چهارمین کنفرانس ملی شهرسازی، معماری، عمران و محیط زی

و از روی زمین، دیوار و درختان به خانه‌ها هدایت شده است که تاکنون در زمان بارندگی‌ها چند نفر از مردم و حیوانات اهلی مانند گوسفند دچار برق‌گرفتگی و کشته شدن

عیسی آبادی یکی از جوانان حاشیه‌نشین خاطرنشان کرد: هیچ مدرسه‌ای در منطقه حاشیه‌نشین دایر نشده است و مردم مجبورند فرزندان خود را به داخل شهر ببرند و یا اینکه بابت نداشتن هزینه ترک تحصیل کنند. رئیس یکی دیگر از ساکنان مناطق حاشیه‌شهر می‌گوید: آب به وسیله گالن و فرغون آورده می‌شود و هیچگونه آب لوله‌کشی در این مناطق وجود ندارد.

فرهاد ویدادی از جوانان و فعال مسائل اجتماعی شهر چابهار افزود: مناطق حاشیه‌نشین چابهار پناهگاهی برای افراد معتاد به مواد مخدر و بزهکار شده است و با خیال راحت در طول روز در داخل شهر به کارهای خلاف مشغول می‌شوند و سپس در حاشیه شهر انواع مواد مخدر مصرف می‌کند. وی ادامه داد: انتظار می‌رود مسئولان چابهار و استان سیستان و بلوچستان فکری اساسی برای حل مشکلات حاشیه‌نشینان بکنند تا یکبار برای همیشه مشکلات مردم محروم و کم‌درآمد مناطق کم‌براد، کم‌بلو، جنگل‌وک، رمین و غیره مرتفع شود. معاون استاندار سیستان و بلوچستان و فرماندار شهرستان ویژه چابهار نیز به خبرنگار ایرنا اظهار داشت: چابهار به دلیل اتصال به آبهای اقیانوسی و داشتن بنادر و منطقه آزاد موقعیت مناسبی برای تجارت و فعالیت‌های اقتصادی دارد. احمدعلی موهبتی با بیان اینکه مسئولان کشوری برای حل معضلات حاشیه‌نشینان چابهار به صورت جدی ورود پیدا نکرده‌اند، افزود: عزم جدی مسئولان کشوری می‌تواند در مدت کوتاهی مشکلات ساکنان حاشیه شهر را حل کند. وی ادامه داد: مسوولان زمانی می‌توانند مشکلات حاشیه‌نشینان شهر چابهار را در دستور کار قرار دهند که خود یک بار از کوچه پس‌کوچه‌ها و خانه‌های مسکونی این افراد دیدن و از نزدیک مسائل و مشکلات را لمس کنند آن‌گاه متوجه خواهند شد که مردم با چه مشکلاتی هستند.

وی بیان کرد: مسوولان دست‌اندرکار براساس جمعیت چابهار باید برای ارائه خدمات بهداشتی، ساخت مدرسه، آبرسانی و برق‌رسانی به ساکنان شهری و روستایی تلاش کنند تا مردم با مشکل و کمبود امکانات رفاهی رو به رو نشوند.

مردم بیشتر در مشاغل کارگری روزمزد فعالند و هر روز صبح برای پیدا کردن کار به مراکز تجمع کارگران روزمزد می‌روند. این مراکز تجمع در حواشی و پیاده‌روهای تقاطع بلوار امام خمینی با خیابان جمهوری که به سه راه جمهوری مشهور است و نیز در تقاطع بلوار امام با کارگر جنوبی، رو به روی پمپ بنزین دولتی واقع شده‌اند. در این منطقه هیچ‌کس شغل دولتی ندارد. به دلیل نبود معابر برای عبور ماشینهای سنگین، خدمات شهری از قبیل جمع‌آوری زباله گاه به گاه از یک محل خاص که اهالی زباله‌ها را در آن محل جمع می‌کنند صورت می‌گیرد. منازل به هم نزدیکند و اکثراً چسبیده به هم ساخته شده‌اند. و همین باعث می‌شود در هنگام آتش‌سوزی که در این مناطق بسیار اتفاق می‌افتد منازل بیشتری قربانی حریق شوند. به گفته اهالی محل چندین آتش‌سوزی به وقوع پیوسته و تا به حال سه نفر، شامل دو کودک و یک مرد در آتش سوخته و جان خود را از دست داده‌اند. به گفته اهالی محل این آتش‌سوزی‌ها شبانه اتفاق افتاده‌اند و یک موردشان به دلیل بافت تودرتوی منازل و نبود طرح‌های بهسازی است. تیربرق در این منطقه نصب نشده است بلکه یک تیر در ورودی این منطقه نصب شده و مردم کابل‌های برق را زمینی به خانه‌ها برده‌اند در مجموع چهره فقر و محرومیت در همه مناطق حاشیه‌نشین این شهر به خوبی آشکار است حقیقتی که ما طی تحقیقاتمان از وضعیت حاشیه‌نشینان این شهر به آن پی بردیم این است که آنان در وضعیت بسیار دشوار و سختی زندگی میکنند اگر مهاجرت فرآیند و عدم وجود تمهیدات در تامین نیازها از جمله مسکن در شهرها را بتوان از عوامل اصلی اسکان غیر رسمی (حاشیه‌نشین) و ناهنجاری مسکن دانست (ایراندوست ۱۶۴: ۱۳۸۸) میتوان گفت پدیده حاشیه‌نشین در چابهار با چنین تحلیلی هم‌راستا است چرا که با واقعیت مهاجرت روستاییان اطراف چابهار به



## چهارمین کنفرانس ملی شهرسازی، معماری، عمران و محیط زی

این شهر همخوانی دارد اما نباید فراموش کرد که خود این مهاجرت نتیجه و پیامد تحولات اقتصادی-اجتماعی گسترده تری است که در منطقه بلوچستان طی دهه های گذشته رخ است به عبارت دیگر مهاجرت های گسترده کشاورزان و روستاییان این منطقه به چابهار دروهله نخست متأثر از برنامه اصلاحات ارضی و نیز سلطه نفت درآمد های نفتی بر اقتصاد کشور که مصرف گرایی و فراموشی تولید داخلی را به دنبال داشته است اتفاق افتاده و در وهله دوم به دلیل خشکسالی و از رونق افتادن کسب و کار کشاورزی و عدم آمادگی فنی و مدیریتی نهادهای مسؤل همچون شهرداری و سایر ارگانها در برآوردن نیازهای مهاجران به وقوع پیوسته است. درواقع از این منظر مهاجرت گسترده روستاییان به این شهر که به دنبال از رونق افتادن کسب و کار کشاورزی به دلیل عدم حمایت های لازم دوتی و نیز خشکسالی های گسترده در منطقه رخ داده است باعث پیش افتادن رشد جمعیتی این شهر از مدیریت شهری و عقب افتادن سطح عرضه خدمات و تامین نیازهای اساسی همچون مسکن شده است و عوامل اشکل گیری اسکان حاشیه نشینی در این شهر است.

راهبردها توانمندسازی مناطق حاشیه نشین:

از آنجا که بهسازی و نوسازی شهری مستلزم اتخاذ سیاست های چند وجهی در حوضه عمران، خدمات و مسکن و ارائه خدمات اجتماعی و فرهنگی به ساکنان این نواحی است. لذا پیشبرد آن در مقیاس بزرگ مستلزم هماهنگی بین دستگاه های دولتی در سطوح ملی، استانی و محلی (در بستر سازی) و مشارکت مردم و بخش های خصوصی (بعنوان اصول محوری) میباشد. چنانچه تدابیر پیشگیرانه بکار بسته نشود اقدامات دولت در زمینه بهسازی و نوسازی مقطعی و بدون توجه به ابعاد اجتماعی باشد شاهد رشد این نواحی و بغرنج شدن مشکلات آنها خواهد شد. چابهار با توجه جمعیت شهر نشینی بیشترین نسبت حاشیه نشین را دارد در شهر چابهار ۵۰ هزار نفر جمعیت و در حاشیه ۷۰ هزار نفر زندگی می کنند. به لحاظ این که چابهار جنبه گردشگری دارد این تعداد حاشیه نشین سیمای شهر را نازیبیا می کند و در برابر توریست ها جلوه خوبی ندارد. نمی توان گفت که همه حاشیه نشینان مهاجر هستند بلکه تعدادی از آنها مردم بومی شهر هستند که به دلیل فقر به حاشیه شهر مهاجرت کرده اند. دولت باید طرح حمایت از بومی گزینی در شهر چابهار بصورت جدی تر دنبال کند چرا که بیشتر کسانی که در این شهر مشغول به کار هستند افراد غیر بومی بوده که این امر موجب بیکاری تعداد زیادی از مردم شده است. علاوه بر این برای جلوگیری از ایجاد سکونت گاه های غیر رسمی مناطقی را که هنوز شهر نشده اند عملاً شهری کنند و خدمات بدهند تا ارتقا و کیفیت زندگی را در آنجا داشته باشیم. دولت با مشارکت مردم میتواند با اتخاذ راهبردهایی مشکلات این مناطق را سامان دهی کند. برخی از این راهبردها عبارتند:

- توانمندسازی ظرفیت سازی شهرداری ها بمنظور بهبود در خدمات رسانی

- تسهیل در شکل گیری شورای محله و سازمان های مردم نهاد خصوصاً برای بلوک های شهری که نیازمند تجمیع و تنظیم مجدد زمین هستند

- برگزاری برنامه های آموزشی بمنظور ارتقای فرهنگ شهروندی.

- حمایت و تشویق از انبوه سازان به توسعه مسکن

- رعایت الویت در تخصیص منابع دولتی جهت تامین زیر ساخت ها و خدمات پایه شهری با رویکرد محرک توسعه

- تسهیل در واگذاری اراضی دولتی برای کاربری عمومی از طریق فروش اقساطی یا اجاره به شرط تملیک

- اعطای تسهیلات بانکی ارزان قیمت و تخفیف در عوارض صدور پروانه در چارچوب قانون ساماندهی و حمایت از تولید و عرضه مسکن



## چهارمین کنفرانس ملی شهرسازی، معماری، عمران و محیط زی

- تسهیل در صدور اسناد مالکیت

- توجه به فقر برنامه های فقر زدایی و ایجاد پیوند بین توسعه کالبدی و اقتصادی- اجتماعی شهرها

- تهیه بانک اطلاعاتی از بیکاران جویای کار ساکن در محدوده هدف

- حمایت از مشارکت و تجمیع سرمایه خرد ساکنان از طریق نهادهای مالی قانونی بمنظور ایجاد اشتغال و بهسازی و نوسازی هدف

### نتیجه گیری

از اظهارات حاشیه نشینان چابهار در مصاحبه هایشان پیداست که این حاشیه نشینان عموماً کشاورزان، باغداران و دامداران متضرر از خشکسالی هستند با اینحال قسمت اعظم جمعیت آنان را همانگونه که پیشتر ذکر شد روستائیان فقیری که به دلیل خشکسالی منبع معاش خود را از دست داده اند تشکیل می دهند بنابراین به یک معنا میتوان گفت در مسئله حاشیه نشینی در چابهار بایستی به دنبال ریشه های اقتصادی و مشکلات معیشتی این گروه باشیم و تمرکز اصلی خود را بر روی دافعه های روستاهای چابهار و جاذبه های خود شهر قرار دهیم چرا که در سوالی که از حاشیه نشینان در باره علت مهاجرت آنان می شد اکثریت قریب به اتفاق آنان به مسئله یافتن کار در چابهار اعلام کرده اند طبیعی است که چنین گروهی اگر به خواسته خود نرسد و راهی و کسب و کاری برای تامین نیازهای ضروری و اساسی خود و خانواده اش نیابد، خود دست بکار ابداع و خلق راههای جدید برای کسب معاش و درآمد خواهد زد و چه بسا سر از دزدی و فحشا و سایر اعمال خلاف قانون در آورد. شاید همین محرومیت های شدید بسیاری از حاشیه نشینان است که باعث شده درصد جرم و جنایت ها در مناطق حاشیه نشین نسبت به سایر مناطق شهری بیشتر بوده در بحث از وضعیت کنونی زندگی و معیشت حاشیه نشینان شهر چابهار همانگونه که پیش تر بدان اشاره شد، آنها در وضعیت نابسامانی به لحاظ برخورداری از امکانات و خدمات شهری بسر می برند و بسیاری از آنان حتی دسترسی به آب سالم و بهداشتی ندارند و بخاطر آلودگی و کثیف بودن محل زندگی شان در معرض انواع بیماری ها و امراض قرار دارند. مشکلات بهداشتی مناطق حاشیه نشین و در معرض ابتلاء بیماری های مختلف بودن البته مختص حاشیه نشینان چابهار یا ایران نیست و در بسیاری از مناطق حاشیه نشین کشورهای در حال توسعه دیگر نیز وجود دارند و شاید از همین رو است که از نظر عده ای اولویت حاشیه نشینان را برای (Varma, 2002: 102) برخورداری از امکانات حیات شهری متفاوت از اولویت سایر شهر نشینان است. آنان در وهله نخست به محیطی سالم تر و بهداشتی تر نیاز دارند. بنابراین یکی از سیاست ها و برنامه هایی که بایستی اتخاذ شود اقدام در جهت رفع این محرومیت ها و مشکلات تا حد امکان می باشد. اقداماتی که بر اساس ملاحظات مبتنی بر نیازهای اساسی اجتماعی و اقتصادی (Movitra, 1991: 255) برای جذب حاشیه ها در سبک زندگی شهری انجام می شوند. درباره مشکلات حاشیه نشینی در شهر چابهار، مهم ترین اقدامی که در جهت جذب حاشیه نشینان در سبک زندگی شهری باید صورت بگیرد و آنچه که بعنوان اصلی ترین نیاز این قشر به شمار می رود همانا تامین کسب و کار و منبع درآمدی برای این گروه است چرا که همانگونه که در مباحث قبل بدان اشاره شد اصلی ترین دلیلی که حاشیه نشینان چابهار به عنوان دلیل مهاجرت خود از روستا اعلام کرده اند امید به یافتن کار بوده است و اگر این قشر با کمک دستگاههای دولتی و مسئولین مربوطه بتوانند به این مهم دست یابند بی شک مشکل اصلی حل شده است و کمتر شاهد بروز جرم و جنایت و ناهنجاری های مختلف از حاشیه نشینان خواهیم بود و در این صورت و با بوجود آمدن این احساس و اندیشه در آنان که مسئولین نسبت به آنان بی تفاوت نیستند، برای همکاری بیشتر در زمینه هایی همچون نظافت و غیره نیز انگیزه پیدا خواهند کرد. به نظر می رسد یکی از راهکارهای مبارزه ریشه ای با مسئله حاشیه نشینی در چابهار توجه





## چهارمین کنفرانس ملی شهرسازی، معماری، عمران و محیط زی

بیشتر به مشکلات و مسائل روستائیان چابهار است چرا که بیشتر این حاشیه نشینان یا کپر نشینان روستائیان هستند که به امید یافتن کار و منبع درآمد به چابهار مهاجرت نموده اند اما با توجه به اینکه مسئله خشکسالی و کمبود منابع آبی و لذا رکود و بحران کشاورزی در این منطقه همچنان ادامه دارد بایستی به فکر راه هایی برای بهبود اقتصاد روستاها با تکیه بر روش هایی بود که صرفا در مسئله توسعه روستایی، به توسعه و بهبود کیفیت کشاورزی تکیه نمیکنند و در راه از استراتژی های دیگری کمک میگیرند یکی دیگر از این روشها، استراتژی صنعتی نمودن روستاها است که در آن البته مسئله توسعه کشاورزی در فرآیند توسعه روستایی حائز اهمیت است اما در عین حال باید با توسعه فعالیتهای صنعتی همراه شود کنند در جهت بهبود شرایط زندگی و رفاه بیشتر قشر کارگر در شهر چابهار با اعمال سیاست هایی همچون نظارت بیشتر و موثرتر بر نوع قرار دادها و شرایط حقوقی و دستمزدی کارگران، جلوگیری از سوء استفاده احتمالی برخی از کارفرمایان از کارگران و استثمار و بهره کشی از آنان، ایجاد و گسترش بیمه های خاصی که مختص کارگران باشد و با توجه به محرومیت و ناتوانی اقتصادی و مالی این قشر تنظیم شده باشد. کمک های دولتی بصورت یارانه در کالاهای خاصی که بیشتر مورد نیاز این قشر است، سازماندهی آنان بصورت تشکل ها و صنف هایی که قدرت مانور بیشتری در مقابل کارفرمایان خود و احقاق حقوق خود را داشته باشند و موارد دیگر اشاره نمود. راهکار دیگر ایجاد مشاغل جدید و کارگاه های صنایع دستی است که زنان حاشیه نشین نیز بتوانند در آنها مشغول بکار شوند. در پایان باید یادآور شد که معضل حاشیه نشینی در چابهار بدون یاری و مساعدت همه دستگاههای مرتبط همچون شهرداری، فرمانداری، مسکن و شهرسازی، کمیته امداد و بهزیستی و سایر ارگانها قابل حل و فصل نمی باشد و در راستای نیل به این هدف بایستی اقداماتی صورت پذیرد که از بیکار شدن بیشتر روستائیان و در نتیجه مهاجرت آنان به چابهار جهت یافتن کار جلوگیری نماید و در عین حال بایستی سیاستها و برنامه هایی نیز جهت بهبود وضعیت زندگی و بهداشت کسانی پی ریزی کرد که فعلا در دام حاشیه نشینی افتاده اند و مجبورند در مناطقی زندگی کنند که در قسمت های قبلی این تحقیق به وضعیت بهداشتی نامطلوب و محرومیت واقعی آنان اشاره نمودیم. برای هر دو سیاست یعنی جلوگیری از مهاجرت روستائیان به شهر و بهبود کیفیت زندگی حاشیه نشینان فعلی چابهار امید است مسئولین شهر چابهار و کسانی که متولی امر این شهر هستند توجه بیشتری به معضل حاشیه نشینی نمایند و همت بیشتری برای حل مشکلات و محرومیت های این قشر نشان دهند. انتظار می رود برای حل مساله اسکان اسکان غیر رسمی در آن، دیدگاه توانمندسازی و بهسازی مشارکتی در حال حاضر مناسب ترین کاربرد داشته باشد.

### پیشنهادهات

- ۱- بادر نظر گرفتن نگرش سیستمی در بعد کلان مساله و دیدگاه اقتصادی سیاسی فضا(نقش دولت) و دیدگاه توانمند سازی و بهسازی مشارکتی(نقش مردم) و تعریف و پذیرش حیطه تصمیم گیری و عملکردی هر یک از آنها، می توان از بروز شکاف های عمیق در سیستم اجتماعی-اقتصادی جلوگیری کرد
- ۲- تلاش و تدبیر در جهت رفع موانع قانونی و اصلاح تصریح قوانین و مقررات و ارتباط کارآمد بین سازمان ها، جهت رسیدن به هماهنگی در تصمیم گیری و عمل.
- ۳- به رسمیت شناختن بافت های غیر رسمی به عنوان یک واقعیت موجود زیرا آن ها مجرم و محکوم نیستند، بلکه ضعف سیستم اجتماعی و اقتصادی جامعه آن ها را به آنجا کشانده است. بنابراین راه حل مسالع را باید در دو نقطه سکونتگاهی یعنی شهر و روستا(سیستم ناحیه ای) جستجو کرد



## چهارمین کنفرانس ملی شهرسازی، معماری، عمران و محیط زی

- ۴- مهمترین و ضروری ترین راهکار مناسب در سطوح مختلف جامعه، آموزش و ارتقاء سطح آگاهی مردم در زمینه های مختلف زندگی می باشد. این کار از سه طریق امکان پذیر است: ۱- سازمان های غیر دولتی (NGO) ۲- تلویزیون به ویژه شبکه محلی (استانی) ۳- اجرای کلاس های آموزشی در محل
- ۵- ساماندهی اقتصاد منطقه به ویژه در چاقوب فعالیت های تجاری، این کار مطالعات تخصصی نیاز دارد.
- ۶- به کار گیری سیاست توانمند سازی و بهسازی برای ساماندهی سکونتگاه های غیررسمی چابهار از طریق تشویق و هدایت ساکنان به مشارکت در کلیه مراحل تصمیم گیری، برنامه ریزی و اجرای پروژه های بهسازی محیط لازم به یادآوری است که انگیزه مشارکت جویی در بین ساکنان چابهار بسیار بالاست.
- ۷- تهیه برنامه کارآمد جهت پرداخت وام های کم بهره و طولانی مدت به اقشار فقیر جامعه در زمینه های تامین مسکن و کارآفرینی، براساس توان افراد، درصنف های مختلف

### فهرست منابع

۱. اسماعیل پور نجما. ۱۳۸۹. بررسی وضعیت مسکن در سکونتگاه های غیررسمی و ارائه راهبردهای ساماندهی آنها، مطالعات و پژوهش های شهری و منطقه ای، سال اول، شماره چهارم، صص ۹۵-۱۱۲.
۲. امیرعزادی طوبی، تهمینه دانیالی. ۱۳۹۲. نقش مشارکت در توانمندسازی سکونتگاه های غیررسمی، دومین همایش ملی جغرافیا و برنامه ریزی شهری؛ فضای جغرافیایی، رویکرد آمایشی و مدیریت محیط، اسلامشهر، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اسلامشهر.
۳. ایران دوست کیومرث، محمد اعظمی، روح الله تولایی. ۱۳۹۳. شاخص های تعریف و تعیین سکونتگاه های غیررسمی در ایران، مطالعات و پژوهش های شهری و منطقه ای، سال ششم، شماره ۲۱، صص ۴۳-۶۰.
۴. حاجی علی زاده جواد، عیسی اکبرپوربناب. ۱۳۹۵. ارزیابی سیاست های توانمندسازی سکونت گاه های غیررسمی در شهرهای میانه اندام (شهر بناب)، دومین کنفرانس شهرسازی، مدیریت و توسعه شهری، تهران.
۵. حیدری محمدجواد، فاطمه لطفی. ۱۳۹۴. ساماندهی و توانمندسازی سکونتگاه های غیررسمی در شهر زنجان (مطالعه موردی: محله اسلام آباد)، فصلنامه جغرافیا و برنامه ریزی شهری چشم انداز زاگرس، دوره هفتم، شماره ۲۶، صص ۱۷۴-۱۵۰.
۶. زالی نادر، یوسف رحمتی، نجمه چاره. ۱۳۹۴. ارزیابی و نقدی بر طرح ساماندهی سکونتگاه های غیررسمی شیراز؛ مطالعه موردی محله مهدی آباد (کتس بس)، نشریه پژوهش و برنامه ریزی شهری، سال ششم، شماره ۲۳، صص ۱۱۵-۱۳۲.
۷. مهرانی محمدحسین. ۱۳۹۶. ارزیابی شاخص های توانمندسازی محلات غیررسمی در شهر قدس، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد صفادشت.
8. Epley. R, Donald and Menon, Mohan. 2008, A Method of Assembling Cross-sectional Indicators into a Community Quality of Life, Social Indicators Research, no. 88, pp.87-99.